

از لابلای یادداشت‌ها و نیشتهای روزمره ام

ساختار شخصیتی و ویژگی‌های آن بمنظور رهبری کشور آیا جهان امروز بآن مرتبه ای که سزاوار انسان باشد، رسیده؟ ملتی که کتاب نمی‌خواند، باید تمام تاریخ را تجربه نماید

نبود آموزش‌های علمی و موجودیت فقر همه گیر در کشور
سرمایه‌گذاری روی پرده‌کشی برجشمان عوام
آخرین شوخی ترامپ و روی پله قراردادادن باین
شراکت در تصمیمگیری‌های سیاسی

در مورد شخصیت، ابراز نظرها و تعریف‌های گونه‌گونه و متفاوتی موجود می‌باشد که در اینجا به برخی از آنها اشاره خواهد شد، گروهی معتقدند که شخصیت یعنی "مجموعه رفتاری و شیوه‌های تفکر شخص در زندگی روزمره که با ویژگی‌های بی‌همتا بودن، ثبات (پایداری) و قابلیت پیشبینی" مشخص می‌گردد. برخی هم چنین می‌پندارند که شخصیت، سازمان‌بندی پویایی در درون فرد بوده و شامل دسته‌ای از نظام‌های روانی - فیزیکی می‌باشد که رفتار و کردار او را تعیین می‌نماید. بر بنیاد تعریف‌های یاد شده، نکاتی در مورد اصلاح شخصیت روشن می‌شود، از جمله: بی‌همتایی و تفاوت، داشتن ثبات (پایداری)، قابلیت پیشبینی و اما در مورد عوامل بوجود آورنده شخصیت چنین ادعا می‌گردد که شخصیت ساخته وراثت و محیط می‌باشد. اما تأثیر پذیری انسان‌ها از محیط بسیار قوی‌تر از تأثیر ژنتیکی محسوب می‌گردد. دانشمندان چنین می‌پندارند که شخصیت یعنی شیوه‌ی ترکیبی از همه عوامل قبلی و سابق؛ شخصیت: الف. کارکرد و چرایی و چگونگی رفتار، ب: ساختار (کدام عوامل روی یک رفتار تأثیر دارد؟)، همچنان شخصیت است که رفتار را تبیین می‌کند (بوجود می‌آورد) و بعوامل بوجود آورنده رفتار اشاره می‌کند.

در سرآغاز کلام موضوع مورد بحث، یادآور باید شد که کشور عزیز ما و کشور ایران، از آرزومندی‌های جدا جدا از هم و اما امیدهای مشترکی بمنظور تغییر سیاست اداره تحت رهبری جو بایدن در ایالات متحده برخوردارند، باینمهموم که کابل در مورد موضوع چگونگی فراخواندن نظامیان امریکایی از اراضی کشور و تهران هم در مورد تخفیف تحریم‌ها حساب باز نموده‌اند. ولی با این حال، ترامپ هنوز دوماه کامل فرصت دارد تا بتواند برنامه‌های بایدن را در موارد دوگانه یادشده، با مشکل و معضل مواجه نموده و به پیچیدگی قضایا بیافزاید. قبل از انتخاب جو بایدن بمثابه رئیس جمهور ایالات متحده و بویژه در جریان مبارزات انتخاباتی ریاست‌جمهوری آن کشور، افغانستان و ایران با خوشبینی محتاطانه‌ای به نتایج انتخابات یادشده، توجه‌شان را معطوف نموده بودند، اینک کانتخابات متذکره به پایان رسیده و رئیس‌جمهوری جدید آنکشور نیز انتخاب گردیده است، کشورهای یادشده در مورد رویکردهای آتی و اشنگتن در مورد قضایای مربوط بخودشان نگران می‌باشند. با تغییر رهبری اداره و اشنگتن و پدید آمدن امیدواری‌ها میان شهروندان افغان، در کشور عزیز ما، بیش از همه، حال و هوای شبیه ایران مستولی گردیده است. افغان‌ها منتظر تحولات و تغییرات چشمگیری در مورد پرسش‌ها و موضوعات کلیدی و بگونه‌گلی خواهان وضاحت در مورد اصل عقب‌نشینی کامل نظامیان امریکایی از سرزمین و قلمرو مربوط بکشور ما می‌باشند.

از تصمیم فوق‌درسند منتشر شده پس از تعامل ایالات متحده با "طالب"‌ها نیز تذکر بعمل آمده است. چنین پیشبینی گردیده که تعامل و توافق یادشده، مسیر نایل‌گردیدن به عادی‌شدن اوضاع در جمهوری اسلامی افغانستان را

بیش از پیش تسهیل خواهد نمود. اما در داخل، همه شهروندان کشورما، تصمیم‌های یادشده را اصلن بمتابه گام‌های مؤثری در حل و فصل قضایای موجود افغانستان نمی‌پندارند.

در کابل باین میان‌دیشند که خروج کامل نظامیان امریکایی و عودت آنها از کشورما، در گلیت، ممکن حل و فصل اوضاع در داخل کشور را با مشکل مواجه نماید. مراجع با اعتبار سیاسی، بر بنیاد یادداشت‌هایی چنین مدعی‌اند که اداره ترامپ، در واقعیت امر، بدون شرکت و سهم‌گیری جانب جمهوری اسلامی افغانستان، با "طالب"‌ها وارد تعامل شده، امتیازات قابل توجهی بآنها قایل گردیده و بیشترین تعداد زندانیان آنها را از زندان‌ها و حبس‌رها نموده و عملن کشور را در وضعیت بلا تکلیفی و سردرگم کننده‌ای قرار دادند. واقعیت امر در این مسأله نهفته می‌باشد که ایالات متحده نظامیان را بشرط ارائه تضمین معتبر مبنی بر عدم پشتیبانی و حمایت از سازمان‌ها و دسته‌بندی‌های تروریستی و بویژه قطع هر نوع رابطه با "القاعده" مبتنی نمود. اما از نقطه نظر جانب افغانی، قطع مناسبات و ارتباطات "طالب"‌ها با گروه‌های یادشده اصلن بمشاهده نرسیده و بویژه در ایام پسین در اقدامات و عملکردهای تروریستی، افزایش قابل ملاحظه‌ای نیز بعمل آمده است.

کابل انتظار دارد تا باین، برنامه ترامپ را که مبتنی بر ترک نظامیان امریکایی بگونه کاملی تا ماه می سال ۲۰۲۱ از سرزمین کشورما در نظر گرفته شده است، مورد بازنگری قرار دهد. چنین تصور می‌گردد که شمار معدودی از نظامیان ایالات متحده بمتابه ادامه دهندگان مبارزه و تداوم نبردهای ضد تروریستی که مورد تأیید پنتاگون نیز قرار دارد، بموجودیت شان در اراضی کشورما همچنان ادامه خواهند داد.

در چنین وضعیتی و با چنین تداوم حضوری، عده‌ای از نظامیان ایالات متحده در افغانستان، بگونه کلی مخالف تفاهم و توافق حاصله در مورد بصر رساندن موجودیت و حضور نظامیان امریکایی، بخودی خود بمتابه اقدام مخالف تفاهم حاصله میان ایالات متحده و "طالب"‌ها پنداشته شده و ممکن پروسه صلح کشور در نیمه راه متوقف گردد.

یادآوری می‌گردد که باین شخصن از برنامه ترامپ مبنی بر خروج کامل نظامیان کشورش از افغانستان، انتقاد نموده و اما در مجموع، خواستار خاتمه بخشیدن به "جنگ‌های بی‌پایان" گردید. در مقاله منتشره در نشریه سیاست خارجی، تأکید بعمل آمده که واشنگتن لازمی می‌پندارد تا تمامی نظامیان را از خاورمیانه و افغانستان بخانه بازگرداند و کلیه توجه خویش را بامر مبارزه بر ضد "القاعده" و سایر دسته‌بندی‌های تروریستی، از جمله علیه "دولت اسلامی" متمرکز نماید.

این واقعیت نیز از امکان بدور نمیباشد که در دوره ریاست جمهوری باین، دولت‌مداران کشورما خواهان تحول و تغییر وحتا خواستار بازنگری سیاست‌های ایالات متحده در مورد توافق و تفاهم حاصله با "طالب"‌ها که در غیاب جمهوری اسلامی افغانستان بعمل آمد، می‌باشند.

همچنان با رویکار آمدن باین بمتابه رئیس جمهور ایالات متحده، افغان‌ها امیدوار به بازنگری در سیاست‌های ایالات متحده، بویژه در مورد مدت زمان فراخواندن نظامیان از افغانستان و چگونگی رویکرد آن کشور در قبال توافق حاصله آن کشور با "طالب"‌ها بوده و امیدوارند تا اداره جدید واشنگتن، بگونه جدی از اجرای مطالبات مورد نظر در قبال "طالب"‌ها با اقدامات مقتضی متوسل گردیده و نحوه ارتباط و موضع‌گیری آن کشور با قوت‌های مسلح افغان را نیز متحول نماید.

در عین حال، عده‌ای از کارشناسان چنین اظهار نظر می‌نمایند که تجدید نظر باین در مورد فراخواندن نظامیان کشورش از افغانستان، بعید بنظر می‌رسد.

اما واقعیت امر این می‌باشد که ایالات متحده در کارزار افغانی واقعن درمانده شده است. با فرستادن نظامیان امریکایی از سال ۲۰۰۱ تاکنون بتعداد بیشتر از ۲۴۰۰ تن آنها از زندگی ساقط گردیده‌اند.

چنین تصور می‌گردد که ایالات متحده به سیاست کنونی اش در قبال افغانستان پابند می‌باشد. اما با وجود آنهمه، ریکرد اداره باین، ممکن در مورد یادشده دستخوش تحول و تغییر گردد. در وضعیت کنونی، چنین اقامه دعوا می‌گردد که تمامی تصمیمات و اقدامات ترامپ، بمتابه یک گُل، اصلن جوابگوی منافع ایالات متحده نبود.

در مورد ترامپ باید بخاطر داشت که نامبرده بمنظور اجرای موفقانه عملکرد منحصر بفرش در کشورما سعی زیادی بعمل آورد. در امتداد ماه‌های پسین ریاست جمهوری وی، خواستار آن شد تا همکاران نزدیکش بمنظور تداوم پروسه آغاز شده تلاش بیشتری بعمل آورند.

جوابیدن در جریان مبارزات انتخابات پسین ریاست جمهوری کشورش اظهار نموده بود که در صورت دستیا

بی به رهبری اداره واشتگتن، نظامیان موجود امریکایی را از افغانستان بخانه فرا میخواند. نامبرده موضوع فوق را حتا در مدت زمانی که معاونیت ریاست جمهوری او با ما را بر عهده داشت، نیز ابراز نموده بود. اکنون زمان آن فرا رسیده تا نامبرده، وعده انتخاباتی اش را در مورد فراخواندن نظامیان امریکایی از سرزمین و اراضی متعلق به کشور ما عملی نموده و اما مطابق برنامه پنتاگون، عده معدودی از نظامیان یادشده بمنظور تداوم مبارزه بر ضد عوامل و مظاهر تروریستی، همچنان بموجودیت و حضورشان در کشور ما ادامه خواهند داد. آمرجدید کاخ سپید، بزودی پس از مراسم حلف وفاداری، بمنظور متحول ساختن دستگاه اداری کشورش دست بکار شده و در نخستین اقدام در صدد آن شد تا با تعویض کارمندان دوره ریاست جمهوری ترامپ، افراد تیم خودش را در پست های کلیدی جایگزین آنها نماید.

اقدام فوق، قبل از همه در بسیاری از جهات، بر سیاست خارجی آن کشور اثر گذار می باشد. همچنان نباید فراموش خاطر ما گردد که ستراتیژی "کارهای خانگی" ترامپ در حال حاضر مورد بازنگری قرار خواهد گرفت که بر بنیاد آن، باید اصل بازگشت و عودت واشتگتن بموافقنامه پاریس در مورد محیط زیست و اقلیم را برنامه ریزی، اقدام ترامپ در مورد خروج آن کشور از سازمان بهداشت جهانی را متغیر نموده و موانع ایجاد شده در قبال مهاجرت شهروندان کشورهای کاز بیشترین مسلمانان برخوردارند را نیز رفع نموده و اصل تداوم وجودی و بود و باش آن عده از مهاجرینی کاز طفولیت با ایالات متحده انتقال داده شده اند، را نیز قانونی خواهد نمود. از جانب دیگر، اداره واشتگتن تحت رهبری بایدن بمنظور اعاده حیثیت و اعتبار بین المللی ایالات متحده نیز سعی خواهد ورزید.

اما مؤافقتنامه پاریس و مسأله مربوط بسازمان جهانی بهداشت، قبل از آنکه بمثابه برنامه های جهانی در عرصه ژئوپولیتیک پذیرفته شوند، برای واشتگتن در حد یک تصور قابل بحث می باشد. جالب از همه اینکه رئیس جمهور جدید، چگونه و بچه نحوه ای در دناکترین مسأله برای ایالات متحده (معضله کشور ما) را حل و فصل خواهد نمود. در مورد یادشده، نه سازو کار بوش، نه صلح متعارف او با ما و نه انزوای گرای ترامپ، قادر نشدند تا با این رسالت کنار بی آیند. اما آیا بایدن از توانایی انجام چنین رسالتی برخوردار می باشد؟

رئیس جمهور تازه انتخاب شده ایالات متحده، بوضوح می خواهد تا کارکردهای آشنا برای نامزدهای حزب دموکرات (چه خوب و چه بد) را عملن تجربه نماید. در عرصه مناسبات نظامی و حربی، از جمله یکی هم احیای موقف ایالات متحده در مجموعه ناتو که دونالد ترامپ از آن انصراف جست و تداوم سیاست و عملکرد های پیمان اتلانتیک شمالی محسوب می گردد.

در ارتباط با موضوع مربوط بکشور عزیز ما افغانستان، بایدن در نظر دارد تا تعامل حاصله با "طالب" ها در دوحه را مورد بازنگری قرار داده و از فراخواندن فوری نظامیان کشورش از افغانستان خودداری ورزد. حفظ همبستگی پیمان اتلانتیک شمالی، بویژه در بررسی چگونگی معامله دوحه برای بایدن از اهمیت منحصر بفردی برخوردار بوده تا پیش از همه، موضعگیری ایالات متحده با نحوه عملکردهای ناتو در تطابق هم قرار داشته و بگونه واحدی در انجام عملکردهای شان وارد عرصه گردند. همچنان در این مورد یکتن از افسران نا توظاهر نمود که موضعگیری و نحوه عملکرد ناتو در افغانستان واضح و روشن بوده و عبارت از پشتیبانی نیرو های دفاعی و امنیتی افغانستان و همچنان وارد نمودن فشار بر "طالب" ها بمنظور تخفیف تشنج و کاهش درگیری ها و زرد و خوردهای مسلحانه بگفته نامبرده، در نوع خود از وظایف عمده ناتو در سرزمین افغانستان محسوب می گردد. در امتداد چندین ماه در کشور ما، حملات مختلف و بیشماری بوقوع پیوسته و انجام اقدام تروریستی در پوهنتون کابل یکی از جمله مرگبارترین حملات یادشده محسوب می گردد که در نتیجه، بتعداد ۲۰ تن کشته و عده ای هم زخمی بجا گذاشت. "طالب" ها مسؤلیت اقدام یادشده در پوهنتون کابل را بر عهده نگرفته و از سهم داشتن در آن انکار ورزیدند.

تازمانی که در سطح خشونت ها کاهش بعمل نیاید، نمی توان به بهتر شدن اوضاع امیدوار بود. اما بخاطر باید داشت که بایدن نه بدلیل مخالفت با ترامپ، بلکه بخاطر وجهه خودش، مسیر حوادث و قضایای کشور را تغییر داده و ممکن عقب نشینی نظامیان ایالات متحده را بتعویق اندازد. در نهایت امر، اما رهبر "جهان آزاد" اصلن نمی تواند متحدین نظامی اش را رها نموده و پیروزی "طالب" ها را علیه نیروها و نظامیان غربی مسجل نماید.

بگمان اغلب که بایدن خواهان عودت نظامیان کشورش می باشد. اما مسأله دیگری که قابل تأمل پنداشته می

شود اینست که نامبرده در نظر دارد تا با گردن افراشته از کارزار افغانی رهایی یابد، بنابراین، طرح ترامپ در مورد، دستخوش تغییراتی خواهد گردید. با احتمال زیاد چنین پیشبینی می گردد که پس از این، فشار بر "طالب" ها بمنظور تطبیق و اجرای عملی توافقات دوحه بیش از پیش تشدید گردد. ولی بهر حال، سیاست بایدن بمفهوم عام کلمه، قابل پیشبینی بوده و اما باندازه ترامپ بگونه قاطعی باخذ تصمیمی متوسل نخواهد گردید.

اما فراموش خاطر ما نشود که در کنار حمایت و پشتیبانی از نیروهای امنیتی و دفاعی کشور، نه تنها بحضور و موجودیت نظامیان ایالات متحده ضرورت احساس می گردد، بلکه تزریق بیشتر منابع پولی و مادی به نظامیان افغان نیز از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می باشد. بمنظور دریافت معاونت های یادشده، از دولت جمهوری اسلامی افغانستان، ایجاد اصلاحات در اداره و انجام مبارزه علیه فساد در کشور و برداشتن گام های عملی و مؤثر در زمینه انتظار برده می شود.

در مورد مسایل گفته آمده در نیشته حاضر باید علاوه نمود که پس از انتخابات اخیر ریاست جمهوری در ایالات متحده، ناتوازموضعگیری رئیس جمهوری منتخب آن کشور (جو بایدن) در مورد قضایای افغانستان فاصله می گیرد. منشی عمومی ناتواظهار نمود که پیمان یادشده با قرارها و مدارها با متحدینش کاملن وفادار باقی خواهد ماند. اما از وضعیت کنونی ونحوه موضعگیری جو بایدن و اداره و اشنگتن چنین برمی آید که اقدامات ایالات متحده در مقایسه با ریاست جمهوری دونالد ترامپ، علیه "طالب" ها، شدت بیشتری بخود اختیار خواهد نمود. نامبرده همچنان طی مصاحبه ای با خبرنگاران اظهار نمود که با آغاز سال نوترسای، متحدین در قبال پرسش دشواری قرار خواهند گرفت و آن اینکه آیا الی ماه می ۲۰۲۱ سرزمین افغانستان را باید ترک نمایند. مسأله ای که جزمواد ذکر شده در توافق و تعامل امریکا - "طالب" نیز محسوب می گردد و یا همچنان به موجودیت نظامیان امریکایی در افغانستان باید ادامه داد؟

قابل تذکر پنداشته می شود که تصمیم اینچنینی در اجلاس وزرای دفاع کشورهای عضو ناتو در ماه فبروری سال ۲۰۲۱ اتخاذ خواهد گردید.

در اعلامیه ای که در ختم نشست بین المللی ژنیو در مورد افغانستان به نشر رسید، آمده است که بیشتر از صد کشور، و عدّه ارائه کمک و معاونت های مالی و مادی را به کشور ما سپرده اند.

اما همچنان بیشترین کشورهای شرکت کننده در نشست یادشده، نگرانی های فزاینده شان را از رهگذر هسته بندی های "دولت اسلامی" در کشور ما نیز ابراز نمودند. نباید فراموش نمود که شرکت کنندگان نشست یاد شده باین مسأله تأکید ورزیده و همه طرف های درگیر در قضایای کشور ما را مخاطب قرار دادند تا نمایند های سایر طبقات، اقوام، قبایل و کلیه اقشار جامعه و بازیکنان خارجی قضایای موجود کشور ما، باید بمنظور تأمین ثبات دایمی در سرزمین کشور عزیز ما سعی ورزیده، به جنگ های چندین ساله در کشور نقطه پایان گذاشته و اگر علاقمندند که شرایط صلح آمیز در کشور ما مستولی گردیده و شهروندان بلاکشیده کشور افغان ها فارغ از جنگ برادر کشی و عاری از خشونت و درگیری های مسلحانه، به زندگی صلح آمیز ادامه داده و باعمار مجدد کشور همت گماشته و برای همیشه به دشمنی و خصومت با همدیگر نه گفته و کشور را فارغ و مبراً از تروریزم و مواد مخدر نموده و امن و آرامش را برکوی و برزن افغانستان برگردانند، باید در مسیر یادشده با تمام نیرو کشور ما را یاری رسانند.

اما نباید صرف بامیدواری ها و آرزومندی های خیر خواهانه بسنده کرد، بلکه قبل از همه، بعوامل و فاکتور های موجود خودی و داخلی باید بیشترین توجه بعمل آید. خوشبختانه که کشور عزیز ما افغانستان از امکانات وسیع و گسترده مادی و معنوی برخوردار می باشد. از این امکانات موجود و دست داشته باید بگونه اعظمی استفاده بعمل آمده و بر زخم های وارده بر پیکر مجروح کشور ما مرهم گذاشته شود.

در دواندوه شهروندان سرزمین ما بویژه در امتداد نیم سده پسین، گواه می باشد که بیش از این، از توان پذیرش آنهمه رنج های بیکرانی را که بر آنها روا گردید، نداشته و بیش از سایر موارد و قبل از همه در آرزوی تأمین ثبات و استقرار صلح و امنیت سراسری در کشور می باشند. به یقین که بشریت مترقی در اینمورد با شهروندان تشنه صلح و امنیت کشور جنگ زده مانیز همنوا می باشند.

یکشنبه ۸ ماه قوس سال ۱۳۹۹ خورشیدی